



## اقتصاد تعاونی؛ گزینه برتر

### مقدمه

اینک اهمیت

اقتصاد تعاونی و نقش آن

در شتابان ساختن آهنگ توسعه

اقتصادی برای اغلب دولتها واضح و آشکار شده است. پیوستن بسیاری از کشورهای جهان به نهضت تعاونی در سده اخیر و نیز قبول عضویت آنها در اتحادیه بین‌المللی تعاون و خصوصاً سپردن بخشی از وظایف اقتصاد ملی این کشورها به اقتصاد تعاونی مؤید این موضوع است. اما، این که اقتصاد تعاونی چه تأثیرهایی بر فرایند توسعه ملی می‌گذارد و به چه میزان در سرعت بخشیدن آن سهم خواهد بود؛ جای بررسی و مطالعه بیشتری دارد.

امری مسلم است که اقتصاد تعاونی در هر جامعه و کشوری تأثیرهای خاصی را بجا خواهد گذاشت و کیفیت این تأثیر نیز تا حدود زیادی به میزان توجه دولتها و هدف آنها از ایجاد و گسترش و حمایت از تعاونها و نظام اقتصادی تعاون دارد. ادبیات موجود نهضت تعاونی نشان می‌دهد که برخی از هدفها و مقاصد دولتها از گسترش و حمایت اقتصاد تعاونی به این شرح است:

«گسترش عدالت اقتصادی و اجتماعی، بقویت انگیزه برای جلب مشارکت مردم، اشتغال‌زایی مولد و مؤثر، بهره‌برداری از سرمایه‌های سرگردان، افزایش تولید و ارائه خدمات مناسب و سالم‌تر، سپردن حق تعیین سرنوشت مردم به خود آنان، پیشگیری از حاکم شدن سرمایه‌داری افسارگسیخته، سماعت از ناهنجاریهای اقتصادی (تورم،

## دولتهای مردمی

مهندس محمدرضا عباسی

گرانی، احتکار، توزیع ناعادلانه و...) فراهم ساختن فرصت اشتغال مولد برای همه، توزیع منصفانه کالا و خدمات و...

با این وجود، هدف اصلی و مقصد آشکار و نهان دولتها از اقتصاد تعاونی هرچه که باشد، نکته روشن این است که غالب دولتهای جهان لزوم استفاده از این نظام اقتصادی را ضروری یافته‌اند. اما نکته ظریف این است که اقتصاد تعاونی از کدام اصول و فلسفه برخوردار است که قادر گردیده انتظارات دولتها را پاسخ دهد؟ همچنین به منزله یک سیستم اقتصادی، تا چه میزان انعطاف‌پذیری از خود نشان داده است که در همه کشورها (با هر سیستم اقتصادی، ساختار اجتماعی، بافت فرهنگی و...) که دارند) با استقبال مردم و دولتهای خردمند مواجه شده است؟ شواهد در بسیاری از کشورها، گویای این واقعیت است که در هر کشوری که یک دولت مردمی بر سرکار بوده است، اقتصاد تعاونی گزینه برتر آن دولت برای کمک به توده‌ها بوده و از این راه مردم در فرایند توسعه ملی دخالت داده شده‌اند. به راستی ارزشها و عوامل موفقیت این نظام اقتصادی چیست؟

### اقتصاد تعاونی و برخی ویژگیهای آن

اگرچه عمر اقتصاد تعاونی در جهان نسبتاً

کوتاه

است اما، در

کشور ما با عنایت

به پیدایش دیرینه

فعالتهای تعاونی و اقتصاد

معیشتی مبتنی بر تعاون، سابقه‌ای غنی و

تاریخچه‌ای نسبتاً طولانی‌تر دارد. وجود

تشکلتهای مردمی و نیز تعاونیهای سنتی در

بسیاری از مناطق کشور و در بین همه اقوام

و طوایف ایران تأیید‌کننده این امر است.

بنه، حراثه، شیرواره و... نمونه‌های بارزی از

تشکلها و تعاونیهای سنتی کشور ما به

حساب می‌آید.

متأسفانه در گذشته‌های نه چندان دور، به

ویژه در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ با اجرای

اصلاحات ارضی رژیم سابق که با تغییر

نظامهای بهره‌برداری زراعی، مالکیت و

مناسبات تولید در بخش کشاورزی همراه

شد، تعاونیهای سنتی در سطوح گسترده‌ای از

کشور نابود شده و از بین رفتند. البته، دولت

وقت برای پرکردن خلاء ناشی از نابودی

تعاونیهای سنتی دست به ایجاد گونه‌هایی از

تعاونیهای امروزی زد. اما، به دلیل عدم

طراحی مناسب و سیاستهای جانبدارانه و

نیز دخالتهای غرض‌آلود، تعاونیهای مزبور

موفق نشدند تا شکل اصیل و مردمی به خود

بگیرند و متأسفانه تبدیل به نوعی

تعاونیهای دولتی شدند (شرکتهای تعاونی

روستایی در آن زمان از جمله تعاونیهای

دولتی به حساب می‌آید). تا اینکه پس از

پیروزی انقلاب اسلامی، به دلیل اهمیت

یافتن حق حضور مردم در صحنه‌های

اقتصادی - اجتماعی، اقتصاد تعاونی احیاء و

امروزه اقتصاد تعاونی به منزله یک مکتب اقتصادی که دارای بناسیلهای فراوان و توسعه‌ای است، اشتها یافته و می‌تواند فریادرس دولتهای مردمی و واقع‌بین باشد. تاریخ اقتصاد ممالک جهان نشان می‌دهد هر کشوری که اقتصاد تعاونی را وارد گردونه سیاستهای اقتصادی خود کرده است، توفیق بزرگی را در بهره‌وری اقتصادی و بسیج مردم آن جامعه در جهت احیاء و توسعه نظام اقتصادی مردم‌گرا به دست آورده است.

راهی بدون مخاطره، مطمئن و توأم با ارزشهای انسانی است. در این نظام اقتصادی، کلام آغازین و پایانی را مردم می‌زنند. سود و زیان آن مربوط به مردم است و حق مشارکت و همکاری از حقوق حقه آنان به شمار می‌رود.

تاریخ اقتصاد تعاونی نشان می‌دهد که هرگاه دولتها، لااقل دخالت جاه‌طلبانه و قدرت مدارانه‌ای در اداره امور تعاونیها نداشته‌اند: مردم لیاقت و شایستگی خود را برای تداوم، احیاء و توسعه این فعالیت اقتصادی نشان داده‌اند و نتیجه تلاش آنان نیز در توسعه و گسترش تولید و نیز توزیع برابر منابع در بین اقشار مختلف و شهروندان جامعه تبلوری ملموس و عینی داشته است. همه مردم (اعضاء) از حق قانونی و رأی خود به درستی بهره‌برداری کرده‌اند، مشارکت صادقانه خود را به نمایش گذاشته‌اند و برای رسیدن به موفقیت، یک صدا گامهایی مثبت و استوار برداشته‌اند.

یک خصیصه ممتاز دولتهای مردمی، این باور است که برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی فرهنگی جامعه را با بهره‌جستن از مشارکت و همکاری مردم انجام دهند. در واقع، دولتهای مردمی تلاش می‌کنند امور جامعه را در بستری مردمی سامان دهند و دخالت در تعیین سرنوشت مردم به خود آنان سپرده شود. در زمینه اقتصاد، این دولتها برای نیل به مقصود، عموماً اقتصاد تعاونی را پل مطمئن و مستحکمی برای عبور از آن تشخیص داده‌اند. زیرا، اقتصاد تعاونی (به تبع آن شرکتهای تعاونی که پایه اصلی این نظام اقتصادی می‌باشند) همانند خود دولتها یک نظام مردم سالار محسوب می‌شود. تعاونیها، سازمانهایی متعلق به مردم هستند. سرمایه، کار و مدیریت آنها از سوی مردم تأمین و تدبیر می‌شود و با اراده مردم فعالیت آنها شکل گرفته و اقتصاد تعاونی اصیل و مردمی

تشدید تلاش و فعالیت تعاونیها خواهد بود. یک نکته مهم دیگر که نمی‌توان از آن غافل شد، بعد اجتماعی اقتصاد تعاونی است. شرکتهای تعاونی به مثابه واحدهای اقتصادی مردمی، الگوهای مناسب و عملی برای تقویت همکاری و همیاری در بین مردم هستند. از آغاز پیدایش تاکنون، تعاونیها به عنوان واحدهای اقتصادی که از منابع و نهادهای اقتصادی استفاده بهینه را به عمل می‌آورند، مورد توجه قرار گرفته‌اند. دلیل آن نیز بنیان فعالیتهاى آنها است که در چارچوب همکاری، همفکری، همیاری و خودیاری شکل یافته است. به همین منظور، تعاونیها منابع و سازمانهای اقتصادی عظیمی هستند که توسط مردم ایجاد می‌شوند. از سوی خود آنان اداره و نظارت می‌گردند و از این راه، مردم خود به یاری خویش می‌شنابند. در نتیجه گردش چرخهای اقتصاد ملی با اشتراک مساعی مردم سریعتر می‌شود. با توجه به مطالب بیان شده، امروزه اقتصاد تعاونی به منزله یک مکتب اقتصادی که دارای بناسیلهای فراوان و توسعه‌ای است، اشتها یافته و می‌تواند فریادرس دولتهای مردمی و واقع‌بین باشد. تاریخ اقتصاد ممالک جهان نشان می‌دهد هر کشوری که اقتصاد تعاونی را وارد گردونه سیاستهای اقتصادی خود کرده است، توفیق بزرگی را در بهره‌وری اقتصادی و بسیج مردم آن جامعه در جهت احیاء و توسعه نظام اقتصادی مردم‌گرا ساخته است.

### دولتهای مردمی و اقتصاد تعاونی

اینک بسیاری از دولتها به این نتیجه نایل شده‌اند که اقتصاد تعاونی راد سوم و میانه‌ای است که از یک سو، برای جلوگیری از حاکم شدن اقتصاد دولتی (و بروز عواقب وخیم آن) و ممانعت از تسلط اقتصاد آزاد (و ظهور پیامدهای اختلال‌گرانه آن) از سوی دیگر،

جان تازه‌ای گرفت. به طور کلی، بر پایه فلسفه اقتصاد تعاونی، این نظام اقتصادی، ماهیتی غیردولتی، مردمی و مشارکتی دارد. به دیگر سخن، اقتصاد تعاونی رویکردی است که در پیدایش و توسعه آن، مشارکت فعال مردم (و حمایت بیدریغ دولتها) حرف نخست را می‌زند. اقتصاد تعاونی در واقع یک مکتب مردم مدار و خودجوش است که بدان وسیله مردم خود بانی تغییر و تحولات مثبت اجتماعی و اقتصادی برای جامعه و زندگی خویش خواهند بود.

با این وصف، شرکتهای تعاونی که بازوهای اجرایی نظام اقتصاد تعاونی به حساب می‌آیند، می‌توانند بکسی از مناسب‌ترین سازمانها و الگوهای اقتصادی و اجتماعی باشند تا مردم را به صحنه‌های مختلف جامعه دعوت کنند و تبدیل به کانونهایی برای تقویت وحدت اجتماعی، فراهم‌ساز تحقق عدالت، رشد خلاقیت، پرورش فوه ابتکار و مآلا شکوفایی و توسعه اقتصادی و اجتماعی را در هر جامعه موجب شوند.

از آنجا که این واحدهای اقتصادی واحدهایی خودجوش و پا گرفته از متن جامعه هستند و تنها عامل حیات و بقای آنها اراده بیدار و همت والای مردم است، بنابراین، هدف اساسی آنها نیز در راستای تأمین نیازهای گروههای مختلف اجتماعی تشکیل دهنده آنها خواهد بود. از همین رو، با بسط و گسترش تعاونیها، جمعیت فزاینده‌تری از مردم جامعه برای ارتقای رفاه خود و دیگران (از جنبه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی) دارای انگیزه خواهند شد. به دیگر سخن، نظر به اینکه منافع حاصل از فعالیت تعاونیها، عاید عموم مردم (اعضاء و سایر مردم) می‌شود، این کسب منافع همگانی یک عامل انگیزشی فوی برای

را در خود متبلور می‌سازند. بديهی است درآمدها و منافع مادی و معنوی آن نیز نصیب مردم و جامعه خواهد شد.

تجارب کنونی حاکی از آن است که دولتهای مردمی، تعاونیها را سازمانهایی فراگیر شناخته‌اند. چرا که تعاونیها توسط مردم اداره می‌شوند و فعالیت آنها برای رفع نیازهای فوری و مبرم اداره‌کنندگان تنظیم می‌شود. بنابراین با گسترش تعاونیها بسیاری از نیازهای اقتصادی جامعه که دولتها از عهده رفع و برطرف ساختن آنها کاملاً بر نمی‌آیند، توسط خود مردم برطرف خواهد شد و بار سنگینی را از دوش دولتها بر می‌دارند. بر پایه این منطق، می‌توان چنین تعبیر نمود که هرچه تعداد شرکتهای تعاونی اصیل و مردمی افزایش یابد، زمینه برای حضور جمعیت بیشتری از مردم جامعه در صحنه‌های اقتصادی و اجتماعی آن جامعه فراهم خواهد شد. همچنین، برای تولید، اشتغال و ارائه کالا و خدمات به مردم، کمکهای شایان و بی‌همتایی به دولتها خواهند نمود.

دولتهای مردمی از یک طرف، نظامی مبتنی بر رأی و نظر اکثریت مردم هستند و از طرف دیگر، رفاه و رشد و تعالی همه مردم را مقصد نهایی خویش تلقی می‌کنند. بنابراین، می‌توان انتظار داشت که عملکرد دولتهای مردمی به مرزهای عدالت اجتماعی و اقتصادی نزدیکتر از سایر دولتها بوده و توزیع نسبتاً برابر منابع در بین اقشار مختلف جامعه امکانپذیرتر خواهد بود. براین اساس، هدف اصلی دولتهای مردمی را نمی‌توان فقط رشد اقتصادی دانست. (بدون توجه به عدالت در توزیع همگانی نهاده‌ها و آورده‌های اقتصادی). به عبارت دیگر، دولتهای مردمی تلاش خود را صرف این، رویکرد می‌کنند که منابع و ثروت ملی به نحوی عادلانه و در بین همه آحاد جمعیت به نحوی منصفانه توزیع گردد و این امر را در بستر سالم و پویای اقتصاد مولد، اشتغال‌زا و مردمی مطمح نظر قرار می‌دهند. با این وصف، مآلاً رشد و توسعه اقتصادی - اجتماعی را به طور توأمان در برنامه‌ریزیها مورد عنایت قرار خواهند داد و برای

دستیابی به این مقصود، سعی دولتهای مزبور این است که فعالیتهای اقتصادی حتی‌المقدور توسط خود مردم و با رأی و موافقت آنان انجام شود.

امروزه، هدف غایی برنامه‌های توسعه، بهبود همه‌جانبه زندگی برای همه آحاد جامعه است. (توسعه پایدار) و این مسأله‌ای است که همه توسعه‌گران شرط حصول به آن را تنها در بهره‌جستن از مشارکت مردم می‌دانند. در این رهگذر است که راه برای تحقق اهداف، تأمین نیازهای واقعی و ضروری و حل مشکلات و مسایل اقتصادی جامعه به دست مردم باز خواهد شد. با توجه به این موضوع، دولتهای مردمی نیز آگاهی دارند که وجه غالب اقتصاد تعاونی، مهیا ساختن زمینه برای مشارکت مردم در برنامه‌ها و امور اقتصادی جامعه است. و در این طریق، تعاونیها نسبت به دیگر سازمانهای غیردولتی، با مشارکت عینی و واقعی‌تر مردم، نوعی تولید و توزیع مردمی و منصفانه را استمرار می‌بخشند و تمامی سرمایه‌گذارها از سوی مردم صورت می‌گیرد و این امر نیز آزاد و برای همگان میسر است. در واقع، فرصت بی‌وسن همه مردم به نهضت تعاونی آسان و بدون هیچگونه محدودیت خواهد بود. ضمن اینکه محصولات و خدمات تعاونیها با قیمتی مناسب و عادلانه در اختیار همه مردم قرار خواهد گرفت. با این وصف، اقتصاد تعاونی رودی همیشه جاری است که در صورت بسترسازی مناسب برای مشارکت مردم در امور آنها و از راه حمایت بخردانه و منطقی دولتها، چرخهای اقتصاد ملی به سوی تحقق و نیل به توسعه پایدار مداوماً در گردش خواهد بود.

بنا به تجارب و سوابق موجود و نیز عنایت به اصول و قواعد اقتصاد تعاونی، بدون تردید اگر هریک از دولتهای جهان، تعاونیها را به منزله هسته‌های بارور و قابل اعتماد برای نیل به توسعه پایدار مورد توجه جدی قرار دهند، گزینه اصلاح این است که زمینه را برای ادامه فعالیت شرکتها و سازمانهای تعاونی به سوی خودیاری و خوداتکایی هموار سازند و آن را به منزله

سازمانهایی غیردولتی مورد حمایت ویژه خویش قرار دهند. در واقع، این دولتها باید ترجیحاً ضوابط و مقرراتی را طراحی و به مرحله اجرا گذارند که اعضای تعاونیها به شیوه‌ای مستقل و متکی به همت، همبازی و تواناییهای گروهی خویش، چرخهای سازمان تعاونی خود را به گردش درآورند. اصل خودیاری، استقلال، خوداتکایی و نیز پاسخ مثبت به اصول و فلسفه تعاون را مقصد فعالیتهای تعاونگرانه خویش قرار دهند و راهبرد حمایت بدون دخالت در امور تعاونیها را سرلوحه برنامه‌های خود قرار دهند.

### نمادهای برتر اقتصاد تعاونی

اینکه چرا اقتصاد تعاونی یکی از گزینه‌های برتر اقتصادی دولتهای مردمی است، دلایل گوناگونی دارد که برخی از آنها بیان گردید. اما، می‌توان برای این نظام اقتصادی برخی گزینه‌ها را به عنوان نمادهای برتری آن نسبت به سایر مکاتب و نظامهای اقتصادی قابل شد و دولتهای مردمی نیز با عنایت به این نمادها، اقتصاد تعاونی را به عنوان الگوی برتر برای توسعه اقتصادی بر می‌گزینند. برخی از نمادهای مزبور را می‌توان به شرح ذیل (در شرکتهای تعاونی) مورد توجه قرار داد:

### □ تعاونیها، یاوران اقشار محروم

دولتهای مردمی در زمینه مسایل اقتصادی، اقتصاد تعاونی را با نگاهی ویژه می‌نگرند. تاریخ و پیشینه زندگی جوامع مختلف نشان می‌دهد که کمتر دولتی موفق شده است، طبقات اجتماعی محروم و مستمند را (متأسفانه به دلیل کثرت جمعیت این قشر در بیشتر جوامع) تحت پوشش خدمات اقتصادی خویش ببرد. تاریخ بیشتر کشورهای جهان نشان می‌دهد، جمعیت قشر محروم و مستمند، همواره بسیار بیشتر از جمعیت طبقه ثروتمند و برخوردار از منابع بوده است و در دنیای کنونی نیز این وضعیت ادامه دارد. این در حالی است که دولتها تنها برای طبقات نیازمند و محروم جامعه، نتوانسته‌اند کار از

رابط بین سیاستهای خیراندیشانه خود و راهبردهای توسعه ملی بهره می‌برند. به دیگر سخن، تعاونیها را تشکلهایی مردمی می‌دانند که آگاهانه و در فضایی سالم و بهنجار وارد عرصه فعالیتهای اجتماعی، اقتصادی و مشارکتی می‌شوند و می‌توانند در بنیان گذاشتن جامعه‌ای بویا و سلامت نقشی مسئولانه، مردمی و بخردانه را برعهده گیرند.

براین باور، دولتهای مردمی، تعاونیها را به عنوان محملهایی توانمند برای نیل به توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌شناسند. خصوصاً اینکه تجارب موجود در بسیاری از کشورها نشان می‌دهد که این سازمانهای مردمی در تسریع و تحقق توسعه پایدار با یاری جستن از مشارکت مردمی نقش مهمی را ایفا کرده‌اند.



## □ تعاونیها؛ سازمانهایی فرااقتصادی

تعاونیها دارای کارکردهایی فرااقتصادی هستند. این سازمانها، نه تنها به منزله یک سازمان اقتصادی کامل و برخوردار از همه ویژگیهای یک مؤسسه اقتصادی فعالیت دارند (ساختار، راهکارها، مدیریت، سرمایه، مناسبات و...) بلکه هدف خود را در قفس این اصول و مناسبات (سرمایه، کار، تولید، سودآوری) محبوس نساخته‌اند و در فعالیتهای خود، ابعاد اجتماعی، فرهنگی و... را مورد توجه قرار می‌دهند.

اقتصاد تعاونی قبل از پرداختن به اصول و مناسبات اقتصادی، نظری ویژه به رشد و تعالی انسان دارد و اقتصاد را برای تقویت و توسعه مناسبات آزاد و سالم انسانها، گسترش انگیزه آنان برای بسیج امکانات و نیروی خلاقه خویش در راستای رشد و شکوفایی صفات عالیه مورد توجه خاص قرار می‌دهد. و در این باره، علاوه بر راهکارهای اقتصادی، از روشها و الگوهای اجتماعی، فرهنگی و... سود می‌جوید.

## تعاونیها؛ سازمانهایی خودیار

از هنگامی که تعاونیها پا به عرصه حیات گذاشته‌اند، همواره اراده و همت

کمترین سرمایه عضو یک سازمان اقتصادی خودیار (شرکت تعاونی) می‌شوند، در تولید سهم می‌گردند، بر توزیع دخالت می‌کنند و حتی خود در مدیریت و نظارت بر امور سازمان خویش نیز حق مشارکت و دخالت دارند. ضمن اینکه تا آنجا که بتوانند در جهت رفع نیازهای خود تلاش نموده و از خدمات این سازمان در این راستا بهره‌مند می‌شوند.

## □ تعاونیها؛ محملهای توسعه اقتصادی - اجتماعی

این یک واقعیت است که دولتهای مردمی تجلی اراده عامه مردم و نماینده قاطبه یک ملت می‌باشند. از همین رو، چنین دولتهایی نگاهی صادقانه و واقع‌بینانه به امور دارند. آنها تلاش خود را صرف خوشبختی و آرامش واقعی مردم می‌کنند. اکنون که نقش و اهمیت اقتصادی - اجتماعی تشکلهای مردمی و به ویژه تعاونیها بر جهانیان روشن شده است، دولتهای مردمی بیش از پیش طرفدار پیدایش، گسترش و توسعه سازمانهای تعاونی هستند. این دولتها از تعاونیها به منزله حلقه

پیش‌برند، بلکه اگر موفق به کاری هم شده‌اند، متأسفانه شعاع آن کوتاه و امواج آن به کرانه‌های گسترده این جمعیت (رفع نیازهای انسان) نرسیده است. در نتیجه، خدمات دولتها بر زندگی اقشار محروم و مستمند جامعه تأثیر معنی‌داری به جای نگذاشته است.

حال می‌توان پی برد که چرا دولتهای مردمی از تعاونیها به عنوان یاور و کمک حال خود نام می‌برند. ظرفیت تعاونیها به منزله سازمانهای اقتصادی، اجتماعی، خدماتی، فرهنگی و... بسیار فزاینده است. خدمات بی‌بدیل و ارزنده آنها به آسانی و بدون صرف نیروی زیاد و به سرعت به اقشار محروم و مستمند جامعه (اعم از شهری و روستایی، زن و مرد، خردسال و بزرگسال و...) قابل ارائه است. چیزی که دولتها هرگز قادر به تأمین و دستیابی به آن نخواهند بود. زیرا، اقتصاد تعاونی در پرتو قواعد، اصول و فلسفه مردم‌گرایی خود، سرمایه، تولید، توزیع و همه مناسبات اقتصادی را به شهادت تلفیق ساخته است که همه مردم در آن سهم بوده و به آن دسترسی داشته باشند. در واقع، همه محرومان با

اعضای آنها عامل تداوم و توسعه فعالیتهای آنها بوده است. از سوی نیز، دولتها (در شرایط اصیل و مردمی) صرفاً نقش فراهم‌ساز و ایجادکننده سترهای مناسب و لازم را برای فعالیت تعاونیها ایفا کرده‌اند. (از طریق تدوین قوانین، حمایت، کمکهای مالی و کارشناسی و...).

اگرچه در برخی از کشورها (خصوصاً کشورهای جهان سوم) در برهه‌هایی از تاریخ دولتهایی مشاهده شده (و می‌شوند) که یا را فراتر از این گذاشته و قصد بهره‌برداریهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خاص از تعاونیها داشته‌اند. این قبیل دولتها از طریق نمایندگان خود و برخی راهبردهای دیگر، اداره امور برخی از تعاونیها را در دست گرفته و سکان هدایت تعاونی ذریبط را از دست اعضای آن خارج ساخته‌اند. طبیعتاً می‌توان انگونه تعاونیها را نوعی تعاونی دولتی (نه تعاونی اصیل و مردمی) قلمداد نمود. زیرا، به طور کلی (جدای از برخی عوامل مؤثر دیگر) یکی از مهمترین نشانه‌های هویت و اصالت تعاونی بودن هر سازمان، عدم دخالت دولتها در امور آنها می‌باشد.

این در حالی است که به موجب فلسفه و اصول اقتصاد تعاونی و ماهیت تعاون اجساعی، شرکتهای تعاونی از آغاز تاکنون، همواره محور حیات و فعالیت خود را بر خودباری بنیان گذاشته‌اند. در واقع، اساس سادس و تداوم فعالیتهای آنها بر خودباری، همکاری و اداره مستقل مردم و نیز کبایشات تعاونگرانه و داوطلبانه آنان استوار است و موجب شده تعاونیها در خارج حوب سازمانهای خودبار، هویت یابند.

در تأیید موضوع، به دلیل خودبار و خود انکاء بودن حفظ استقلال اقتصادی، تعاونیها کمتر به دولتهای حاکم وابسته هستند و نفس و دخالت دولتها در اداره آنها بسیار کمتر است. می‌توان گفت که شرکتهای تعاونی اصیل، همیشه کمک حال دولتها بوده‌اند نه سربار آنها. از همین رو، دولتهای مردمی آنها را به عنوان گزینه‌ای مناسب و برتر، مورد حمایت قرار می‌دهند.

## □ تعاونیها؛ سازمانهای بهسازی محیط اجتماعی

شرکتهای تعاونی دارای کارکردهای پرورش‌ی نیز هستند که از دید تیزبین دولتهای مردمی پنهان نمانده است. تعاونیها با عنایت به فلسفه عاارن و تعاونگرایی که ریشه در اصالت مردمی بودن آنها دارد، از طریق تقویت و توسعه روابط اجتماعی و فرهنگی مردم، در بهسازی و سالمسازی محیط نقش مهمی را بازی می‌کنند.

تعاونیها، محیط اجتماعی را در راستای تقویت مناسبات متعالی و برقراری روابط انسانی در جهت نیل به وحدت گروهی هدایت می‌کنند. به موجب فعالیتهای تعاونگرانه، دانغه زندگی گروهی برای مردم شیرین و لذت‌بخش خواهد شد. تعاونیها، نقشهای اجساعی را به منظور تحقق اقتصاد برابر و جامعه مسارکنی، در سر مردم توزیع می‌کنند. از مهمترین عوامل متعددی که از اصول و فلسفه تعاون نشأت می‌گیرد، توسعه موقعیتهای بالفعل خودجوشی، مهارت‌حل مسئله، ایجاد تغییر در ابعاد رفاه اجتماعی او اقتصادی، روحیه سرریک مساعی و... در نزد شهروندان تعاونگر است.

در شرکتهای تعاونی، گروههای همگن و همگرا، نقطه انکاسی حوس هستند (خودباری) و مهارتهای آنان، آفدن بر روابط پیچیده زندگی اجتماعی را در یکدیگر گسترش و بهبود می‌بخشند. همچنین، رشد شخصیت، مسولیت‌پذیری، تعامل به اجتماعی زیستن، بوسم کار و... از دیگر کارکردهای تعاونیها محسوب می‌شود.

هر سررکت تعاونی برای اعضای خود (گروه همگن) بوسر مناسبی را برای فعالیتهای اجساعی (خارج از خانه) مهیا می‌سازد. این گروه همگرا در زمینه جامعه‌پذیری، سازگاری با محیط، به فعل درآوردن ظرفیتهای را برای نظم با جامعه و مسرفرت آن و مهارتهای لازم را فرا می‌گیرند. این امر، مالا نفس بسیار مؤثری در سالمسازی و بهسازی محیط اجساعی دارد. اگرچه ممکن است یک فرد در این گروه، همگن نتواند تا نخواهد نقشی در اجساعی کردن خود داشته باشد؛ اما

تندریج علاوه بر میزان سهمی که برای به فعل درآوردن ظرفیت سایر افراد خواهد داشت، بخش عمده‌ای از فرایند اجتماعی شدن را خود به خود طی خواهد کرد. با این اوصاف، اقتصاد تعاونی عامل مؤثری در توسعه اجتماعی جامعه خواهد داشت.

## □ تعاونیها؛ سازمانهایی برای تولید بهتر و بیشتر

دولتهایی که به ضوابط و قواعد نهضت تعاونی و نیک‌بخشی مردم کشور خود پایبند بوده‌اند، همواره تعاونیها را به منزله سازمانها و هسته‌های اقتصادی مولد، اشتغال‌زا، محرک توسعه درون‌زا و نیز کانونهایی برای تمرکز واحدهای کوچک اقتصادی قلمداد نموده‌اند. برای دولتهای مردمی، فلسفه، کارکرد و عملکرد مثبت تعاونیها در زمینه‌های تولید یک امیاز ارزشمند است. زیرا، این سازمانهای اقتصادی بخش مهمی از سرمایه و منابع ملی را در اختیار نوده‌های مبتکر و آماده به کار قرار می‌دهند و از تمرکز آن در دست افراد و گروههای خاص جلوگیری می‌کنند.

از جنبه اقتصادی، تعاونیها نوعی سازمان واسط و مرکز سلاقات تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان واقعی هستند. این سازمانها، فرایند تولید را توسط مردم سازمان می‌دهند و زمینه را برای توزیع مستقیم، عادلانه و سالم تسهیل و عملی می‌سازند. در واقع، در دو سوی فرایندهای تولید و توزیع، مردم قرار گرفته‌اند (تولیدکننده - مصرف‌کننده) و در فاصله بین آن دو، واسطه‌های اقتصادی حذف می‌شوند. به همین دلیل، تعاونیها موجب می‌شوند تا هنجارها و الودکتهای اقتصادی فرصت رشد نیابند و گرانسی، احسکار، تورم، واسطه‌گری و سایر نشانه‌های اختلال اقتصادی از عرصه فعالیتهای حذف شوند. از همین رو است که دولتهای مردمی اقتصاد تعاونی را تحت حمایت خویش قرار می‌دهند.

با توجه به مطالب یاد شده، اقتصاد تعاونی قادر است گروه‌های اجساعی محروم از امکانات اقتصادی رلی مستعد و مبتکر و آماده فعالیت سالم را در سازمانهای تعاونی

تولیدی با هم متحد سازد و نیز آنان را به گروهی قدرتمند در عرصه اقتصاد و مناسبات تولیدی تبدیل کند و در نتیجه، شرایط را برای رشد و توسعه اقتصادی بر بستر عدالت اقتصادی - اجتماعی فراهم سازد. بنابراین دولتهای مردمی این ارزش و امتیاز بی‌همتای اقتصاد تعاونی را به خوبی باور کرده‌اند.

در راستای حمایت و کمک به توسعه اقتصاد تعاونی، دولتهای مردمی وجه غالب و راهبرد اساسی ترویج تعاون را بر تشویق مردم برای پیوستن به تعاونیهای تولیدی بنیان می‌گذارند. این دولتها، ترجیح می‌دهند قبل از گسترش هر نوع تعاونی، تعاونی‌های تولیدی رشد و گسترش یابند. زیرا، تجمع سرمایه و منابع مردمی برای توسعه تولید به منزله یک جریان مهم توسعه اقتصادی از طریق این تعاونیها اتفاق می‌افتد.

### □ تعاونیها؛ شبکه توزیع منصفانه

امروزه وضعیت پیچیده تولید و نابسامانیهای توزیع کالا و خدمات (که اکثراً شبکه‌های گسترده توزیع در بخش خصوصی آن را زیر چتر انحصاری خود درآورده‌اند) گریبانگیر بسیاری از دولتها شده است. بخش خصوصی و گاهی دولتی، هزینه‌های کم‌رشدکن تجمل‌گرایی، منفعت‌طلبی، توزیع انحصاری، تبلیغات کاذب و... را "حانت‌وار" از جیب خریداران و مصرف‌کنندگان واقعی تأمین می‌کنند و در این راه از سودجویی و صرف هزینه‌های بی‌مورد چندان هراسی به دل راه نمی‌دهند.

در چنین وضعیت بحرانی، نه تنها توسعه اقتصادی دور از دسترس ملل و دولتهای ذریبط باقی خواهد ماند، بلکه تلاشهای دولتها را برای تأمین و گسترش رفاه و عدالت اقتصادی - اجتماعی با ناکامی مواجه خواهد ساخت. این در حالی است که اقتصاد تعاونی مناسبات خود را بر مردم‌مداری استوار ساخته است و به بازوهای اجرایی خود، یعنی تعاونیها توصیه نموده است که شاخص موفقیت و هدف اساسی خود را بر کاستن از هزینه‌های توزیع، افزودن بر کیفیت کالا، بهینه‌سازی عملیات بازاریابی و

**شرکتهای تعاونی به مثابه واحدهای اقتصادی مردمی، الگوهای مناسب و عملی برای تقویت همکاری و همیاری در بین مردم هستند. از آغاز پیدایش تاکنون، تعاونیها به عنوان واحدهای اقتصادی که از منابع و نهادهای اقتصادی استفاده "بهینه" را به عمل می‌آورند، مورد توجه قرار گرفته‌اند. دلیل آن نیز بنیان فعالیت‌های آنها است که در چارچوب همکاری، همفکری، همیاری و خودیاری شکل یافته است.**

بازاریابی و کاهش دادن قیمت تمام شده کالاها و خدمات (چه در مرحله تولید و چه در مرحله توزیع) استوار سازند تا از این راه کالا و خدمات بیشتر، بهتر و ارزانتری به دست مصرف‌کنندگان واقعی برسد.

با این اوصاف، دولتهای مردمی اقتصاد تعاونی را به عنوان یک گزینه اصلاح و ارزشمند انتخاب می‌کنند تا پاسخگوی مردم به منزله موکلین خود باشند. این دولتها، شرکتهای تعاونی را سازمانهایی مؤثر و کارآ برای دفاع در برابر هجوم واسطه‌ها در عرصه اقتصاد ملی تلقی می‌کنند. زیرا، این نظام اقتصادی موجب می‌شود عوامل و واسطه‌های اقتصادی حذف شوند و هزینه‌های تولید و توزیع کالا کاهش یابد و در نتیجه، قیمت کالا و خدمات به سطح منطقی و عادلانه کاهش یابد. شبکه شرکتهای تعاونی، مناسب‌ترین و سالم‌ترین نظام توزیع کالا و خدمات به حساب آمده و از اینرو، بازوی مطمئنی برای کنترل قیمت‌ها خواهند بود.

### ... سخن آخر

اینک که تعاونیها به عنوان تکامل یافته‌ترین نوع تشکلهای مردمی شناخته شده‌اند و تاریخ روش نهضت تعاونی نیز نشان می‌دهد که این تشکلهای همیشه به خیر و صلاح جامعه (که خود برخاسته از متن آن هستند) حرکت کرده‌اند؛ هیچگاه مقصد

خود را سودجویی ندانسته‌اند، افکار سوداگرانه در سر نیپورانده‌اند و... پرسش این است که آیا دولتهای مردمی باوری مطمئن‌تر از تعاونیها خواهند یافت؟!

به عنوان کلام آخر به دولتهای مردمی توصیه می‌شود، حال که اقتصاد تعاونی را به عنوان گزینه‌ای برتر انتخاب می‌کنند، برای رشد و توسعه آن از دو راهکار زیر مدد جویند:

۱- آموزش: هریک از جوامع مختلف جهان برای آموزش، سرمایه‌گذاری ویژه‌ای می‌کنند. اگرچه ظاهراً همه از آموزش به عنوان رکن اصلی ایجاد تحول و تقویت نوآوری و خلافت یاد می‌کنند. اما، عملاً هریک از جوامع بنا به دلایل متعدد به نوعی به این مقوله می‌پردازند. بدون شک، دولتهای مردمی نیز برای آموزش تعاون باید حساب ویژه‌ای باز کنند. گفته شده است که تعاون یک رویکرد آموزش مدارانه است؛ از آموزش بوجود می‌آید و با آموزش تداوم می‌یابد. همچنین، مردم هر جامعه را از طریق آموزش می‌توان هشیار و آگاه نموده و به مقصد موردنظر هدایت کرد. در همین راستا، آموزش تعاون به عنوان یک رویکرد مثبت و سازنده از دید دولتهای مردمی پنهان نمی‌ماند.

۲- حمایت: گرچه تعاونیها به مثابه سازمانهای مردمی، هسته‌های اقتصادی خوداتکا و خودگردان هستند و تلاش می‌کنند که استقلال خود را حفظ کرده و صرفاً منافع اعضاء و مردم را مورد نظر قرار دهند. اما، از ابعاد مختلف مالی بسیاری از آنها در رنج هستند و کمبود سرمایه عامل مهمی در عدم ایفای نقش واقعی آنها است. ضمن آنکه در زمینه‌های مدیریتی نیز گاهی با مشکلاتی مواجه می‌شوند. در هر صورت دولتهای مردمی به منظور حمایت و حفظ بالندگی تعاونیها باید از جنبه‌های مالی از طریق کمکهای بلاعوض، وامهای بدون بهره و اقساط دراز مدت، بارانه و... به تعاونیها کمکهای شایانی به عمل آورند و در مقابل نیز برای بهره‌برداری صحیح از منابع، با وضع قوانین و راهبردهای گوناگون نظارت بر تعاونیها را در دستورکار خویش قرار دهند.